

نقش سناریوی نفوذ در بازگشت‌پذیری انقلاب اسلامی (با تأکید بر اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای)

مسعود معینی پور^۱

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)

مرتضی غوسیان

دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی دانشگاه شهید بهشتی (ره)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۳/۲)

چکیده

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های طرفداران هر انقلابی، آسیب‌شناسی روند تحقق اهداف انقلاب و بررسی سناریوهای محتمل در تحقق برگشت‌پذیری آن انقلاب است. تفاوت انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌ها، مانع وقوع بازگشت‌پذیری ترمیدوری انقلاب اسلامی ایران می‌شود و براساس نظریه «برگشت‌پذیری انقلاب براساس سنت‌های الهی» نیز که مدل بسومی‌سازی نظریه ترمیدور براساس اندیشه شهید صدر(ره) بوده، تحقق این مسئله نیز در حال حاضر منتفی است؛ البته دشمن، برگشت‌پذیری انقلاب اسلامی را با ابزارها و سازوکارهای مختلفی دنبال می‌کند. در ادبیات سیاسی مقام معظم رهبری در دهه اخیر، گفتمان «نفوذ» به مثابه دال مرکزی برگشت‌پذیری انقلاب اسلامی مطرح شده است. از این رو ضمن رد احتمال بازگشت‌پذیری درونی انقلاب اسلامی، و همچنین امکان بازگشت‌پذیری بیرونی از طریق نفوذ، می‌توان سناریوهای مختلفی را برای برگشت‌پذیری آن متصور شد که «هدف‌گیری پایه‌های اصلی استحکام انقلاب»، «تضعیف همه‌جانبه با استفاده از ابزار مختلف»، «تغییر در معادله قدرت و سیاست داخلی با تغییر نگرش مسئولان» و «شبکه‌سازی با استفاده از نفوذ جریانی در جهت تغییر باورها»، چهار سناریویی هستند که بررسی، تحلیل و امکان‌سنجی آنها درباره آینده انقلاب اسلامی ایران، مهم‌ترین مسئله این مقاله است که با روش توصیفی - تحلیلی به آن می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی

انقلاب اسلامی، برگشت‌پذیری، ترمیدور، سنت‌های الهی، مقام معظم رهبری، نفوذ.

بیان مسئله

انقلاب، اساساً مبدأ تشکیل نظام سیاسی و اجتماعی جدیدی است که زیرساخت‌ها، مبانی و روبناهای مختلف نظام گذشته و همچنین قدرتهایی که در آن کشور منافی را برای خود تعریف کرده بودند، تحت‌الشعاع آن قرار می‌گیرند. از مهم‌ترین خطرهای پیش روی تمام انقلاب‌ها، ترمیدور و بازگشت از انقلاب است که مخالفان انقلاب، از طرق مختلف جنگ سرد و جنگ نرم به دنبال این هدف هستند. از مهم‌ترین راه‌های دسترسی به این هدف، نفوذ ذی‌نفعان و منفعت‌طلبان در انقلاب و تغییر هویت و ماهیت آن، جهت ایجاد زمینه‌های بازیابی منافع پیشین خود و کسب منافع جدید است. انقلاب اسلامی ایران نیز که به‌عنوان مهم‌ترین انقلاب اجتماعی در دوره معاصر به‌وقوع پیوست، از این قاعده مستثنا نیست.

از مهم‌ترین مباحث مرتبط با تحولات، و به‌طور خاص آسیب‌شناسی یک انقلاب و نظام سیاسی، بحث چرخش انقلاب‌ها به سمت و سوی معین و فراز و نشیب‌های مشخص نظام‌های سیاسی است که «کرین بریتون» در قالب نظریه ترمیدور در انقلاب، تأکید فراوانی بر آن کرده است که نحوه ایجاد این چرخش از سوی مخالفان انقلاب، در دوران جنگ سخت و دوران جنگ نرم متفاوت است. ابزار مخالفان در دوره جنگ سخت، ابزار نظامی و برخورد فیزیکی است که این ابزار در دوره جنگ نرم، به ابزار متفاوتی تبدیل می‌شود و از مهم‌ترین آنها، نفوذ و رخنه در انقلاب و ارکان آن است. بنابراین اصل امکان «بازگشت» در مورد یک انقلاب، کاملاً محتمل است. همچنان‌که مطابق آیات قرآن^۱، در مورد انقلاب اسلامی پیامبر (ص) هم این احتمال وجود داشته است. بی‌شک یک انقلاب اسلامی نیز ممکن است نه تنها از مسیر نیل به آرمان‌هایش بازماند، بلکه به‌نحوی معکوس، به ضد خود تبدیل شود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۰۳/۱۴). در دهه اخیر، تلاش‌هایی برای عادی‌سازی انقلاب اسلامی ایران و هضم آن در نظام جهانی در قالب سناریوهای مختلف به اوج رسیده است.

در بیانات یک سال اخیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، استفاده از واژه «انقلاب» افزایش یافته است. معظم‌له به‌وضوح در حال تبیین معانی انقلابی بودن و انقلابی‌گری در برابر پروژه‌های منتهی به بازگشت انقلاب اسلامی‌اند. جریان مخالفان اما تغییر هویت انقلاب و معنای مفاهیم ارزشی و انقلابی را نشانه گرفته است. جریانی که تمرکز، تلاش و کوشش خود

۱. «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» «بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ» (آل عمران: ۴۴ و ۱۴۹). «بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَىٰ أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُضْحِكُوا عَلَىٰ مَا أَسْرَفُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ» (مانده: ۵۲ و ۵۱).

را در این مسیر، در دوره جنگ نرم بر پروژه نفوذ و رخنه در انقلاب اسلامی ایران قرار داده است تا به اهداف غایی خود دست یابد.

بر این اساس، برای بررسی و تحلیل این موضوع، ضروری است کلیاتی از نظریه چرخش انقلاب‌ها و سناریوهای تحقق آن در انقلاب اسلامی بیان شود و پس از بررسی و ارزیابی نظریه ترمیدور و نظریه سنت‌های الهی شهید صدر(ره) که مدل بومی ترمیدور است، نظریه برگشت‌پذیری از طریق سناریوهای مختلف و امکان وقوع آن از طریق نفوذ و رخنه، با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری، بررسی شود. بنابراین این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که تا چه حد نظریه برگشت‌پذیری انقلاب از طریق نفوذ و رخنه دشمن و در قالب سناریوهای مختلف، درباره انقلاب اسلامی و تحولات تاریخی آن تطبیق‌پذیر است.

امکان‌سنجی بازگشت‌پذیری درونی انقلاب اسلامی براساس نظریه ترمیدور

نظریه چرخش انقلاب‌ها، که حاکی از نوعی جبر و حتمیت در تحولات اجتماعی است، توسط کرین بریتون در کتاب *کالبدشکافی چهار انقلاب*، مطرح شده است که او ضمن مقایسه تحولات پس از انقلاب‌ها در هر چهار انقلاب مورد بررسی، به این نتیجه می‌رسد که هر انقلابی در نهایت به یک چرخش منجر خواهد شد و هر انقلابی به ارزش‌های گذشته بازگشت می‌کند. «وی سعی دارد نظریه خود را که تحت عنوان «ترمیدور» یا بازگشت به ارزش‌های پیشین مطرح شده است، به‌عنوان یک مدل قابل تعمیم بر همه انقلاب‌ها قلمداد نماید» (بریتون، ۱۳۶۳: ۲۴۰). «وی معتقد است که دوران پس از پیروزی انقلاب و بازگشت نظام اجتماعی به ارزش‌های پیشین به‌عنوان رفتار محتوم یک انقلاب اشاره می‌نماید» (مهدوی‌زادگان، ۱۳۸۰: ۱۴-۱۳). حال این بحث وجود دارد که آیا نظریه ترمیدور در خصوص انقلاب اسلامی ایران قابل تطبیق است یا خیر؟ در تحلیل و نقد نظر «بریتون» که می‌توان آن را جبر تاریخی انقلاب‌ها دانست، به‌گونه‌ای ناظر بر فروپاشی یا استحاله انقلاب‌هاست و عملاً قضاوت در مورد چهار انقلاب فرانسه، آمریکا، انگلیس و روسیه، بوده و بیان حالت انقلاب در دوران گذراست و با توجه به اینکه این دیدگاه یازده سال قبل از وقوع انقلاب اسلامی ارائه شده، تحلیل درستی از انقلاب اسلامی نمی‌تواند داشته باشد (مهدوی‌زادگان، ۱۳۸۰: ۱۴-۱۳).

اگر بخواهیم ترمیدور را پدیده‌ای جبری بدانیم که مختص همه انقلاب‌هاست، دست‌کم در مورد انقلاب اسلامی ایران، صادق نیست. این نکته واقعیتی است که امروزه نیز بسیاری از مخالفان نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی بر آن اعتراف دارند و معتقدند هنوز در انقلاب اسلامی، ترمیدور رخ نداده است، چراکه مقایسه روند انقلاب در فرایند پیشین و پسین آن، نشان می‌دهد که هر انقلابی ویژگی‌های خاص خود را دارد. هیچ‌گاه نمی‌توان ادعا کرد که

مسیر یک انقلاب، همواره مسیری مشخص است که تخلف از آن امکان‌پذیر نیست. از این رو، در همان چهار انقلابی که بریتون از آنها نام می‌برد، شاهد شرایط متنوع و گوناگونی هستیم که آن انقلاب‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد. در این انقلاب‌ها، عنصر اصلی تحرک‌بخش، تنها وضعیت نابسامان مادی جوامع بوده است و عنصر معنویت نقش چندانی نداشته است. بدیهی است. این تنوع و اختلاف در مورد انقلابی، همچون انقلاب اسلامی ایران به اوج خود می‌رسد، چراکه در این انقلاب، مقابله با نابسامانی‌های مادی در رژیم سابق، چندان جایگاهی در میان انقلابیون و رهبران نهضت ندارد. آنچه آنان را به میدان مبارزه کشانده، مقابله با نابسامانی‌های فرهنگی و معنوی در جامعه آن زمان بوده است. از این رو، تفاوت‌های آشکاری بین این انقلاب و سایر انقلاب‌های بزرگ دنیا در پیش و پس از انقلاب وجود دارد. با وجود گذشت چندین دهه از انقلاب، فرزندان این انقلاب و نسل دوم و سوم آن، همچنان پایبند ارزش‌های انقلابی‌اند و اصول مورد نظر انقلابیون را قدر می‌دانند. علت این امر هم جز این نیست که این انقلاب ماهیت ارزشی، فرهنگی و معنوی دارد و با حفظ ماهیت آن، انقلابیون همچنان در صحنه خواهند بود و نسل‌های بعدی نیز ادامه‌دهنده مسیر آن انقلابیون هستند. به اعتقاد امام راحل (ره) «شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب‌ها جداست، هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام» (خمینی موسوی، بی‌تا: ۷).

نظریه بازگشت‌پذیری انقلاب براساس سنت الهی

نظریه ترمیدور به معنای وقوع جبری یا یک سنت، کلیت ندارد و در مورد نظام‌های الهی، به‌ویژه انقلاب اسلامی ایران، صادق نیست، چراکه سنت، در مباحث سیاسی و اجتماعی، امری نیست که در همه حال و با وجود شرایط مختلف، حتمی‌الوقوع باشد. بر این اساس و با پیش‌فرض عدم وقوع ترمیدور مصطلح در مورد انقلاب اسلامی ایران، شکل بومی این نظریه را که در قالب «نظریه بازگشت‌پذیری انقلاب اسلامی براساس سنت الهی» توسط شهید صدر (ره) ارائه شده است، بیان می‌کنیم.

شهید صدر (ره) درباره انقلاب از منظر دین و مکتب، مفهوم «سنت اجتماعی - سیاسی» یا «سنت تاریخی» را به کار برده است. به اعتقاد ایشان در زندگی اجتماعی، سیاست و تاریخ، تعداد فراوانی ضابطه و به بیان دقیق‌تر، قانون به مفهوم عام وجود دارد که در بطن آن نهفته است و این قوانین و ضوابط، تمام عرصه‌ها و میدان‌های زندگی انسان به‌ویژه عرصه سیاست، یعنی عرصه سرنوشت عمومی و همگانی را در برمی‌گیرد (جمشیدی، ۱۳۷۷: ۸۴ و ۸۵). این قوانین و ضوابط اجتماعی و تاریخی در زبان قرآن با عنوان «سنت»، «آیت» و «کلمه» و به صورت جمع، «سنن»، «آیات» و «کلمات» آمده است که گاه نیز به اسم خدا (الله) اضافه شده و تحت عنوان

«سنت‌الله» یا «آیات‌الله» یا «کلمات‌الله» ذکر شده است. برای نمونه در قرآن آمده است: «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا؛ سنت خداوند [یکناست] که از پیش تحقق یافته و هرگز در سنت خدا دگرگونی نیابی» (فتح: ۲۳) یا «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ؛ پیش از شما سنت‌هایی وجود داشته است؛ پس در زمین به سیر و سیاحت پردازید و بنگرید تا بدانید پایان کار دروغگویان چگونه بوده است» (آل‌عمران: ۱۳۷) یا «وَلَا تُبَدِّلْ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ؛ تغییردهنده‌ای برای کلمات خدا وجود ندارد» (انعام: ۳۴). شهید صدر در تفسیر این آیه، با اشاره به برخی آیات دیگر و مسئله انقلاب معتقدند: «کلمات خدا تبدیل نمی‌شود؛ یعنی نشانه‌های وعده‌هایش در طول تاریخ تغییرپذیر نیست» (صدر، بی‌تا[الف]: ۶۴؛ بی‌تا[ب]: ۱۲۹). لکن شهید صدر سه صورت کلی برای قوانین و سنن الهی ذکر می‌کند که عبارت‌اند از: صورت قضایای شرطیه؛ صورت قضایای فعلیه قطعیه و محققه؛ و صورت گرایش‌ها و کشش‌های فطری (جمشیدی، ۱۳۹۱: ۸۲). او در مورد نوع اول (قضایای شرطیه) معتقد است: «نخستین صورت از صورت‌های سنن تاریخی در قرآن، در شکل و قیافه قضیه شرطیه ظاهر می‌گردد و بین دو پدیده یا دو مجموعه از پدیده‌ها در میدان تاریخ و سیاست ارتباط برقرار می‌شود. قرآن این ارتباط را به صورت رابطه مشروع و جدا، سخت به هم متکی می‌سازد؛ به طوری که می‌گوید هر وقت شرط محقق شود، تحقق جزا نیز حتمی است (صدر، بی‌تا[الف]: ۱۰۱). نظیر آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ همانا خداوند در هیچ گروهی تغییر و تحولی ایجاد نمی‌کند، مگر آنکه آن گروه، خود را دگرگون سازند (رعد: ۱۱). این سنت اجتماعی و سیاسی به زبان قضیه شرطیه آمده است، زیرا بازگشت آن به وجود پیوند بین دو نوع تغییر است: تغییر حقیقت و ذات و درون و محتوای باطنی هر قوم، و تغییر در ظاهر، بنیان و بنای اجتماعی و سیاسی آن قوم. صورت دوم، سنن الهی که در قالب قضایای فعلیه قطعیه بیان می‌شوند، مربوط به قوانین طبیعی و تکوینی‌اند، نظیر گردش زمین به دور خورشید یا وجود نیروی جاذبه زمین و... اینها معمولاً به صورت قوانین و قضایای علمی درمی‌آیند و انسان نمی‌تواند در این قضایا تغییری بدهد، زیرا از نوع قضایایی هستند که به صورت بالفعل تحقق یافته‌اند. نکته مهم این است که این‌گونه قضایا با اراده انسان و سرنوشت اجتماعی، سیاسی و تاریخی او ارتباطی ندارند. صورت سوم سنت‌ها، در شکل گرایش‌ها و جذبه‌های فطری و طبیعی انسانی جلوه‌گر می‌شود. اینها واقعیت خارجی دارند و برای حرکت انسان به سوی تکامل به وجود آمده‌اند و از اصالت و اعتبار برخوردارند، ولی قاطعیت سنت‌های نوع اول و دوم را ندارند. از این رو، می‌توان کم‌وبیش با آنها مبارزه کرد و بر آنها سرپوش گذاشت. بازی با این سنت‌ها به زیان فرد و جامعه است و انحرافات گوناگون را در پی خواهد آورد و در نتیجه فرد به سوی هلاکت و جامعه نیز به سمت نابودی گام بر

خواهد داشت. برخی از این گرایش‌ها عبارت‌اند از: «گریزه کنجکاو»، «گرایش و جاذبه زناشویی»، «دینداری» و... (جمشیدی، ۱۳۹۱: ۸۳). شهید صدر در مورد سنن نوع سوم می‌نویسد: «این گرایش‌ها را نباید یک قانونگذاری اعتباری نامید، بلکه یک کشش اصلی است که برای پیمودن راه حرکت انسان به‌وجود آمده ... ریشه اینها در طبع انسان نهفته و ساختمان انسان بدانها وابسته است» (صدر، بی‌تا[الف]: ۱۱۴؛ بی‌تا[ب]: ۱۷۳).

با بررسی «نظریه برگشت‌پذیری انقلاب اسلامی براساس سنت الهی» شهید صدر(ره) نیز به این نتیجه می‌رسیم که تنها براساس نخستین صورت از صورت‌های سنن تاریخی در قرآن، که در شکل و قیافه قضیه شرطیه ظاهر می‌شود، این مسئله محتمل بوده است، لکن با توجه با پابندی مردم به مبانی دینی و اعتقادی و همچنین حفظ روحیه انقلابی ملت، تاکنون شرط تحقق بازگشت‌پذیری که همان تغییر درونی انقلابیون است، محقق نشده است.

بازگشت‌پذیری انقلاب اسلامی از طریق نفوذ

طی گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی ایران به‌دلیل ماهیت جدیدی که در منطقه خاورمیانه تحت تأثیر ایران شکل گرفته بود، جنگ نرم با روند سریع‌تری دنبال شد. استعمارگران غربی به‌صراحت و وضوح، میزان تأثیرگذاری ایران را بر افکار داخلی خود و به‌ویژه بر دیگر ساکنان منطقه مهم و استراتژیک خاورمیانه که به گفته بسیاری کارشناسان سیاسی، ژئوپلیتیک‌ترین منطقه در کل جهان برای تمامی اهداف استعماری به‌شمار می‌رود، لمس می‌کردند و با توجه به دورانی که موسوم به جنگ سرد بود و با توجه به راه انداختن جنگ‌های وسیع نظامی در منطقه نیز نتوانسته بودند از میزان این اثرگذاری بکاهند، اندک‌اندک به این نتیجه رسیدند که برای از دست نرفتن بیش از پیش اهداف استعماری‌شان در منطقه از طریق ایران، به‌عنوان مهم‌ترین کشور فارسی‌زبان، ابزارهای جنگ نرم را بیش از قبل برای مقابله با این روند رو به رشد به‌کار بگیرند.

در همین زمینه دولتمردان آمریکایی انکار نمی‌کنند که از نخستین روزهای تأسیس جمهوری اسلامی ایران، براندازی آن را به‌عنوان یک هدف استراتژیک در دستور کار خود داشته و بارها تأکید ورزیده‌اند که این هدف راهبردی با تغییر دولت‌ها در آمریکا و جابه‌جایی اولویت‌های سیاست خارجی این کشور، از دستور کار خارج نمی‌شود. بر همین اساس سیاستمداران و دولتمردان آمریکا در جدیدترین بررسی‌ها و مطالعات خود، رویکرد جنگ نرم را در مواجهه با نظام جمهوری اسلامی مورد توجه قرار داده‌اند و در شرایط فعلی تهدید سخت را در اولویت دوم خود قرار داده و با رویکرد جنگ نرم به‌عنوان بهترین مدل و شیوه مؤثر در رسیدن به اهداف خود، با ایجاد عملیات روانی، جنگ رسانه‌ای، ناتوی فرهنگی،

انقلاب مخملی و پروژه ایران‌هراسی به‌دنبال تکمیل پازل ایران‌ستیزانه خود هستند. بنابراین آمریکا و جریان صهیونیسم بین‌الملل برای عملیاتی ساختن جنگ نرم و ناتوی فرهنگی علیه جمهوری اسلامی ایران راهبردها و شیوه‌های زیر را طراحی و در دستور کار خود قرار داده‌اند. آنچه می‌توان از آن به‌عنوان مهم‌ترین محورهای عملیات روانی دشمن نام برد عبارت‌اند از: مرعوب کردن مسئولان، شخصیت‌های سیاسی و نخبگان کشور، تضعیف اراده عمومی مردم، تغییر درک صحیح مردم از واقعیت‌های موجود جامعه، سلب اعتماد ملت از مسئولان کشور، ترویج شایعه تحریم و فشار اقتصادی بر کشور، ترویج شایعه به‌کارگیری ابزار خشونت علیه ملت ایران، عوض کردن جای متهم و مدعی با ابزار تبلیغاتی و رسانه‌ای، ترساندن ملت‌های منطقه از ملت ایران و انقلاب اسلامی، دامن زدن به اختلافات مذهبی، قومی، جناحی، سیاسی و رقابت‌های صنفی.

پس از ارتحال امام خمینی و پایان دفاع مقدس و جنگ سخت، دور جدیدی از تقابل با جمهوری اسلامی آغاز شد. در این مرحله برخورد سخت‌افزاری جای خود را به مقابله نرم‌افزاری داد. جنگ نرم ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و رسانه‌ای دارد که دشمن در تمام این حوزه‌ها فعال شد که در تمام این مراحل عنصر رهبری که بی‌شک علت محدثه و مبقیه در بسیج توده‌های مردم و ارائه و تبیین مکتب و دفع و رفع خطرهایی که در کمین موجودیت تمام انقلاب‌ها به‌خصوص انقلاب اسلامی ایران است، نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در مدیریت چالش‌ها و بحران‌های به‌وجود آمده در پی جنگ نرم و سخت دشمن داخلی و خارجی داشته و دارد (محمدی و معینی پور: ۱۳۹۰).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، همواره و در مواقع حساس در حرکت ملت ایران، نسبت به غفلت نکردن از «دشمن» هشدار داده‌اند؛ اما ایشان در یک سال اخیر، توجه ویژه‌ای به مسئله «نفوذ دشمن» داشته و این کلیدواژه از پرتکرارترین کلیدواژه‌های مورد استفاده ایشان در بیاناتشان بوده است. به اعتقاد مقام معظم رهبری، دشمنان نظام میلیاردها دلار هزینه می‌کنند تا در کشور ما نفوذ کنند. این اقدام نه‌فقط در عرصه و زمینه‌ای خاص، بلکه در عرصه‌های متعدد صورت می‌پذیرد. آنها در هر عرصه اهداف مشخص خود را دارند. «یک‌جور دشمنی، دشمنی سخت است؛ بمبی بیندازند، تیری بزنند، تروریستی بفرستند. یک‌جور دشمنی، دشمنی‌های نرم است که من از چندی پیش مسئله نفوذ را مطرح کردم؛ نفوذ خیلی مسئله مهمی است. از اصل واقعیت نفوذ غفلت نشود؛ غفلت نکنیم که دشمن درصدد نفوذ است» (مقام معظم رهبری، ۹۴/۰۹/۰۴).

با توجه به مباحث گذشته، این سؤال اساسی مطرح می‌شود که دشمن در جهت چرخش و بازگشت انقلاب اسلامی و در جهت تحقق سناریوهای ترمیدور تا چه اندازه از تاکتیکی به نام

«نفوذ» استفاده می‌کند. از آنجا که هدف از طرح این مقاله بررسی این مسئله از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بوده، ضروری است که ابتدا صورت‌بندی دقیقی از مسئله نفوذ از دیدگاه معظم‌له بیان شود و سپس با طرح سناریوهای محتمل در چرخش انقلاب از طریق نفوذ، به تحلیل و پاسخگویی به این پرسش پرداخته شود.

صورت‌بندی نفوذ از دیدگاه رهبری

مسئله نفوذ و رخنه دشمن در کشور ما، سابقه‌ای بیش از دو‌یست سال دارد. دشمن همواره سعی کرده است که با دسیسه‌های مختلف و همچنین به صور گوناگون در این کشور نفوذ و رخنه کند و به اهداف خود دست یابد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی همواره در خصوص غفلت نکردن از «دشمن» هشدار داده‌اند؛ اما ایشان در یک سال اخیر، توجه ویژه‌ای به مسئله «نفوذ دشمن» داشته و این کلیدواژه از پرتکرارترین کلیدواژه‌های مورد استفاده ایشان بوده است.

بیش از ۶۰ سال است که آمریکا تلاش می‌کند در ایران نفوذ داشته باشد، تا پیش از پیروزی انقلاب، نفوذ آمریکایی‌ها شدید بود و سیاستمداران و مستشاران نظامی آمریکا در کشور حضور داشتند و آزادانه عمل می‌کردند، که تصویب قانون ننگین کاپیتولاسیون از نتایج این نفوذ و سلطه بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نفوذ آمریکا به‌طور مستقیم از بین رفت، به‌خصوص سفارت این کشور به‌عنوان لانه جاسوسی در سال ۱۳۵۸ توسط دانشجویان پیرو خط امام تسخیر شد و شکست مفتضحانه‌ای را دولتمردان آمریکا متحمل شدند. در ادامه آمریکا تمام تلاش خود را در عرصه دیپلماسی قرار داد و از طریق چهره‌های به ظاهر انقلابی، اما با رویکردی لیبرال، مرتبط شد تا نفوذ خود را در ایران به شکل دیگری تقویت کند و تا حدودی با نفوذ در دستگاه دولتی مهندس بازرگان بر این امر موفق شد. پس از رحلت امام راحل و ظهور تعدادی از روشنفکران به ظاهر دغدغه‌مند اما در باطن لیبرال‌منش، زنگ خطر نفوذ آمریکا در کشور بار دیگر به صدا درآمد و درست از همین مقطع و حدود سال‌های دهه ۷۰ به بعد، شاهد نوعی جدید از ارتباط‌گیری دولتمردان آمریکا در داخل کشور بودیم.

در یک سال اخیر، مسئله نفوذ و رخنه دشمن، به یکی از مهم‌ترین مسائل و اخبار در سطح جامعه به‌ویژه نخبگان علمی و مسئولان اجرایی کشور تبدیل شده است. هشدارهای متعدد مقام معظم رهبری گواه عمق نگرانی ایشان از این مسئله و نزدیک بودن خطر است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنان یک سال اخیر خود بر جلوگیری از خط نفوذ دشمن در کشور تأکید داشته و این نفوذ را خطرناک برشمرده‌اند. نفوذ اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در ایران تبعات بسیار سخت و جبران‌ناپذیری بر کشور تحمیل می‌کند که در بیانات معظم‌له به آن اشاره شده

است. ایشان در تعدادی از سخنرانی‌های خود مسئله نفوذ و انواع آن را تشریح کرده‌اند. از آنجا که این سخنان به صورت پراکنده مطرح شده، در این بخش سعی شده است تا با جمع‌بندی آنها به ریشه‌یابی دقیقی از نفوذ از نگاه مقام معظم رهبری دست یابیم.

با نگرش به عالم هستی، موجودات، وقایع و دگرگونی‌های بی‌شماری را مشاهده می‌کنیم و دچار شگفتی می‌شویم که چرا هر چیز این‌طور است؟ و چرا این‌گونه اتفاق می‌افتد؟ به همین دلیل است که سؤال چرا؟ را مطرح می‌کنیم. ما با پرسیدن چرا، می‌خواهیم سبب هر چیزی را بدانیم. به عبارت دیگر، سؤالمان این است که چرا امور به این نحو موجود می‌شوند و اتفاق می‌افتند؟

در نظر ارسطو این چراها را به گونه‌های مختلفی می‌توان طرح کرد و پاسخ گفت. برای پاسخ به پرسش چرا، تنها یک سبب وجود ندارد، بلکه علت‌ها بسیار زیادند؛ یعنی برای هر چیزی، علت‌های زیادی وجود دارد که البته ما فقط بعضی را می‌شناسیم و بعضی را هم نمی‌شناسیم. اما حداقل چهار نوع سبب و تبیین مهم وجود دارد که علت‌های چهارگانه نام دارند؛ یعنی چهار نوع «به‌علت اینکه» در پاسخ به «چرا؟» می‌تواند مطرح شود. این علت‌ها درباره ماده شیء، صورت شیء، فاعل شیء و هدف شیء هستند و به ترتیب علل مادی، صوری، فاعلی و غایی نام دارند (نوس باوم، ۱۳۷۴: ۷۰). در واقع این علت‌ها وجود هر چیز را براساس ماده آن شیء، صورت آن شیء، فاعل آن شیء و هدف آن شیء توضیح می‌دهند و تبیین می‌کنند؛ یعنی هر کدام، یک سبب از سبب‌هایی را که موجب پیدایش موجود شده یا آن را به حرکت وامی‌دارد، برای ما آشکار می‌سازند.

همان‌طور که گفته شد، این سبب‌ها، یعنی علت‌هایی که موجب بروز یک امر (اعم از یک اتفاق یا یک موجود) می‌شوند، بسیار زیادند؛ اما دست‌کم چهار نوع علت وجود دارد که در مورد همه امور صدق می‌کند. ارسطو نخستین کسی بود که به این علت‌ها و اهمیت آنها آگاه شد و به همین سبب، آنها را علت‌های چهارگانه ارسطویی می‌نامند (مگی، ۱۳۸۹: ۷۵).

۱. علت مادی: آنچه ماده شیء را تشکیل می‌دهد، علت مادی آن است، مثلاً خاک و گل، علت مادی مجسمه است.

۲. علت صوری: ماده شیء به هیچ عنوان برای تبیین آن و اینکه چرا این‌گونه وجود دارد، کافی نیست، زیرا ماده شیء می‌تواند هر شکلی را بپذیرد و هر چیزی بشود؛ درحالی‌که سؤال ما در حقیقت، این است که چرا این شیء با این مشخصات خاص، این‌گونه است. بنابراین، به تبیینی دیگر می‌رسیم که مربوط به ساخت و صورت شیء است. در مثال مجسمه، علت صوری مجسمه همان صورت، شکل و قالب مجسمه است.

۳. علت فاعلی: علت فاعلی تقریباً همان علت متداول نزد همگان است. علت فاعلی، منشأ دگرگونی شیء و علت سازنده شیء است. در مثال مجسمه، مجسمه‌ساز، علت فاعلی مجسمه است. همچنین کارگر و بنا، علت فاعلی ساختمان هستند. پس علت فاعلی، علتی است که ماده شیء را شکل و صورت می‌دهد.

۴. علت غایی: علت غایی هر موجود، هدف و کارکرد اصلی آن موجود است؛ یعنی شکوفا شدن تمام استعدادهای نهفته در آن. باید توجه داشت که علت غایی، چیزی بیرون از شیء نیست، بلکه خود موجود، همواره طوری حرکت می‌کند که به صورت تکامل یافته‌اش برسد. براساس این نوع علت، هر چیز در طبیعت همواره به سمت شکوفایی و کمال و کارکرد اصلی خود حرکت می‌کند. تبیین برحسب غایت، یعنی تبیین برحسب آنچه شیء برای آن هست یا روی می‌دهد.

در این نوشتار که درباره بازگشت انقلاب از طریق نفوذ است، براساس علل چهارگانه مذکور، به تبیین و ریشه‌یابی نفوذ می‌پردازیم. در کشف مسئله به عامل اصلی ایجاد نفوذ، ابزاری که در نفوذ استفاده می‌کند، روش و شیوه نفوذ و در نهایت هدف و انگیزه نفوذ، به ترتیب به عنوان علل فاعلی، مادی، صوری و غایی پرداخته می‌شود. بر این اساس و با توجه به ضرورت مقابله با نفوذ و رخنه دشمن، ضروری است که علل و عوامل اصلی نفوذ دشمن شناخته شود که در این نوشته سعی شده است با توجه به بیانات مقام معظم رهبری، علل و عوامل مختلف نفوذ اعم از عامل نفوذ، ابزار نفوذ، راه‌ها و روش‌های نفوذ، و همچنین اهداف و انگیزه‌های نفوذ دشمن تبیین و ریشه‌یابی شود و در کل صورت‌بندی دقیقی از بحث نفوذ و رخنه از منظر مقام معظم رهبری ارائه شود.

۱. عوامل و آماج نفوذ (علت فاعلی)

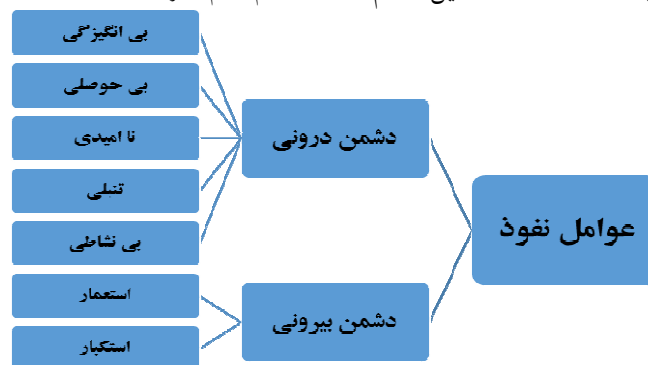
عوامل نفوذ

عامل اصلی نفوذ به داخل کشور، دشمن است که خود به دو نوع دشمن درونی یا داخلی و بیرونی تقسیم می‌شود. «وقتی که دشمن برای داخل کشور برنامه دارد، چه کار می‌کند؟ از نفوذی استفاده می‌کند» (مقام معظم رهبری، ۹۴/۱۲/۰۵). همواره «دشمن درصدد نفوذ است. هر پنجره‌ای پیدا کند، وارد خواهد شد» (مقام معظم رهبری، ۷۸/۰۴/۲۱). «دشمن خیلی تلاش می‌کند که رخنه و نفوذ و تهاجم کند و ضربه بزند و نگذارد سازندگی انجام شود» (مقام معظم رهبری، ۷۴/۱۲/۰۱).

«دشمنان بیرونی انقلاب و اسلام، در قالب‌های مختلف اعم از استکبار و استعمار و مصادیقی از جمله آمریکا درصدد نفوذ و رخنه است. دنیای استکبار و به‌ویژه آمریکا، از عوامل اصلی نفوذ و رخنه در داخل کشور محسوب می‌گردند. برنامه نفوذ در کشور یک برنامه جدی

استکبار است، برنامه‌ی جدی آمریکایی‌ها است؛ دارند دنبال می‌کنند که نفوذ کنند» (مقام معظم رهبری، ۹۴/۱۲/۲۰). همچنین دشمن استعماری نیز درصدد نفوذ به داخل کشور بوده و است. «افراد مسن خودشان دیدند و افراد جوان خبرش را شنیدند که در صد و پنجاه سال اخیر، استعمار روی فرهنگ کشور و جوانان و آموزش و پرورش ما اعمال نفوذ کرد» (مقام معظم رهبری، ۶۸/۰۷/۰۵).

اما در کنار دشمن بیرونی، دشمن درونی نیز وجود دارد که نباید از آن غافل بود. «البته این را هم عرض بکنم که فقط اینها هم دشمن نیستند، علاوه بر اینها یک دشمن دیگری وجود دارد و او درون خود ما است. خود ما یعنی چه؟ یعنی من، شما، فلان مسئول، فلان جوان. آن دشمن درونی چیست؟ آن دشمن درونی عبارت است از بی‌انگیزگی، ناامیدی، بی‌حالی، بی‌نشاطی، تنبلی؛ این‌ها دشمن ما است. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْعَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ وَالْفِتْرَةِ وَالْمَسْكَنَةِ» این‌ها دشمنان ما هستند. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ مِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَ مِنْ صَلَاةٍ لَا تَنْفَعُ» اینها دشمنان درونی ما هستند؛ همه را به گردن بیرونی‌ها نمی‌اندازیم. ما هم اگر بد عمل کنیم، اگر به وقت عمل نکنیم، اگر تنبلی کنیم، اگر دشمن را اشتباه بگیریم، اگر به‌جای شیطان اکبر واقعی، یک برادر ناباب یا ناراهی - که حالا برادر ما است، ولو ناباب و ناراه است- شیطان اکبر ما شد، ضربه خواهیم خورد. پس این هم دشمن ما است، حواسمان باشد. وقتی ما می‌گوییم دشمن خارجی، معنایش این نیست که در خودمان هیچ‌گونه نقصی وجود ندارد؛ نه، سیاست‌های غلط، سیاست‌های بد، رفتارهای بد، اختلافات گوناگون بی‌وجه، تنبلی کردن، اقدام نکردن، تنگ‌نظری، اینها دشمنان ما است؛ این‌ها هم هست» (مقام معظم رهبری، ۹۵/۱۰/۱۹).



آماج و بسترهای نفوذ

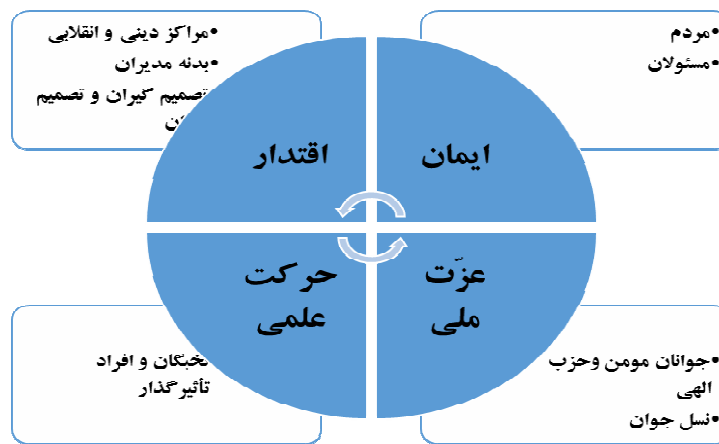
نکته مهم دیگر در بحث «نفوذ»، حوزه‌های موردنظر دشمن برای دستیابی به اهداف خود است. نفوذ دشمن براساس یک تقسیم‌بندی کلی در دو حوزه صورت می‌گیرد. حوزه اول مردم و

حوزه دوم مسئولان هستند. «این نفوذ برای دو منظور دیگر است. یکی از آماج‌های این نفوذ مسئولان‌اند؛ آماج دوم مردم‌اند» (مقام معظم رهبری، ۹۴/۱۲/۲۰).

در دسته‌بندی دیگر این حوزه‌ها به چهار حوزه ایمان، مظاهر اقتدار، عزت ملی و حرکت علمی کشور تقسیم می‌شود. «دشمن دنبال این است که عوامل اقتدار ملی را از بین ببرد. ایمان، حیا و عفاف، پابندی به مبانی دینی و اعتقاد راسخ به حاکمیت دین را از بین ببرد، عزت ملی را مخدوش کند و حرکت علمی را متوقف کند» (مقام معظم رهبری، ۹۵/۱۰/۱۹).

همچنین در «حوزه و آماج نفوذ دشمن در داخل کشور عبارت‌اند از: مردم، مسئولان، نخبگان، افراد تأثیرگذار، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان، نسل جوان، بدنه مدیران، مراکز دینی و انقلابی؛ «آماج نفوذ هم چه کسانی هستند؟ عمدتاً نخبگان، عمدتاً افراد مؤثر، عمدتاً تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی می‌شود روی اینها نفوذ انجام بگیرد» (مقام معظم رهبری، ۹۴/۰۹/۰۴). همچنین «دشمن به‌طور ویژه، بر روی جریان‌های دانشجویی، سرمایه‌گذاری می‌کند؛ تا بتوانند در محیط‌های دانشجویی نفوذ و رخنه کنند و برای خودشان سربازانی را در آنجا تدارک ببینند» (مقام معظم رهبری، ۸۵/۰۷/۲۵).

در یک تقسیم‌بندی جامع می‌توان آماج و بستر نفوذ را طبق نمودار ذیل نشان داد.

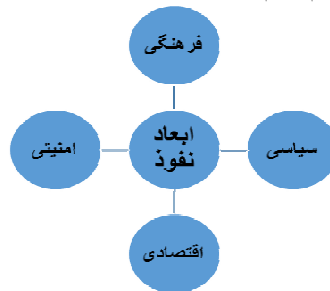


۲. ابعاد و ابزار نفوذ (علت مادی)

ابعاد نفوذ

نفوذ دشمن براساس موضوع و محتوای آن، ابعاد مختلفی دارد که می‌توان از نفوذ فرهنگی و علمی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی یاد کرد. «امروز گول عظیم تبلیغاتی دنیا در مشت آمریکا است؛ امروز جریان صهیونیستی به شدت دشمن بشریت و دشمن فضیلت، با آمریکا، هر دو در

یک لباس‌اند، دستشان از یک آستین می‌آید بیرون و با هم هستند. مذاکره با اینها یعنی راه را باز کردن برای اینکه بتوانند، هم در زمینه اقتصادی، هم در زمینه فرهنگی، هم در زمینه‌های سیاسی و امنیتی کشور نفوذ کنند» (مقام معظم رهبری، ۹۴/۰۷/۱۵).



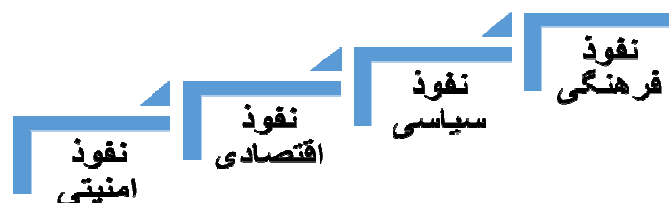
در نفوذ فرهنگی «دشمن سعی می‌کند در زمینه فرهنگی، باورهای جامعه را دگرگون کند؛ و آن باورهایی را که توانسته این جامعه را سرپا نگه دارد جابه‌جا کند، خدشه در آنها وارد کند، اختلال و رخنه در آنها به‌وجود بیاورد. خرج‌ها می‌کند؛ میلیاردها خرج می‌کنند برای این مقصود؛ این رخنه و نفوذ فرهنگی است» (مقام معظم رهبری، ۹۴/۰۶/۲۵). از این رو «تمرکز دشمنان بر روی فرهنگ بیشتر از همه جا است. چرا؟ به‌خاطر همین تأثیر زیادی که فرهنگ دارد. هدف و آماج تحرک دشمنان در زمینه فرهنگ، عبارت است از ایمان مردم و باورهای مردم. مسئولان فرهنگی، باید مراقب رخنه فرهنگی باشند؛ رخنه‌های فرهنگی بسیار خطرناک است» (مقام معظم رهبری، ۹۳/۰۱/۰۱).

«نفوذ سیاسی هم این است که در مراکز تصمیم‌گیری، و اگر نشد تصمیم‌سازی، نفوذ بکنند. وقتی دستگاه‌های سیاسی و دستگاه‌های مدیریتی یک کشور تحت تأثیر دشمنان مستکبر قرار گرفت، آن وقت همه تصمیم‌گیری‌ها در این کشور بر طبق خواست و میل و اراده‌ی مستکبرین انجام خواهد گرفت؛ یعنی مجبور می‌شوند. وقتی یک کشوری تحت نفوذ سیاسی قرار گرفت، حرکت آن کشور، جهت‌گیری آن کشور در دستگاه‌های مدیریتی، بر طبق اراده آنها است؛ ... برای آنها بهتر این است که از خود آن ملت کسانی در رأس آن کشور باشند که مثل آنها فکر کنند، مثل آنها اراده کنند، مثل آنها و بر طبق مصالح آنها تصمیم بگیرند؛ این نفوذ سیاسی است» (مقام معظم رهبری، ۹۴/۰۶/۲۵).

«در زمینه‌های اقتصادی، چشم‌های بینای مسئولین اقتصادی بایستی باز باشد و مواظب باشند که [دشمنان] نفوذ اقتصادی پیدا نکنند؛ چون نفوذ دشمن پایه اقتصاد محکم را متزلزل می‌کند. آنجایی که نفوذ اقتصادی کردند، آنجایی که توانستند خودشان را بر اقتصاد

کشورها و ملت‌ها مثل یک بختکی سوار بکنند، پدر آن کشورها در آمد» (مقام معظم رهبری، ۹۴/۰۶/۲۵).

از نظر اهمیت، می‌توان ابعاد نفوذ را رتبه‌بندی کرد. نفوذ فرهنگی در درجه اول اهمیت قرار دارد، پس از آن نفوذ سیاسی و سپس نفوذ اقتصادی و در آخر هم نفوذ امنیتی. «امروز نفوذ دشمن یکی از تهدیدهای بزرگ است برای این کشور؛ دنبال نفوذند. نفوذ یعنی چه؟ نفوذ اقتصادی ممکن است، که البته کم‌اهمیت‌ترین آن نفوذ اقتصادی است؛ و ممکن است که جزو کم‌اهمیت‌ترین [هم] نفوذ امنیتی باشد. نفوذ امنیتی چیز کوچکی نیست اما در مقابل نفوذ فکری و فرهنگی و سیاسی، کم‌اهمیت است» (مقام معظم رهبری، ۹۴/۰۶/۲۵).



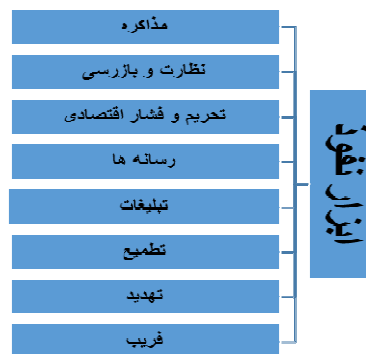
ابزار نفوذ

دشمن و سایر عوامل نفوذ، بسته به شرایط، از ابزارهای مختلفی در راستای نفوذ بهره می‌برند. یکی از مهم‌ترین این ابزار، مذاکره است. «در همین مذاکرات مربوط به مسائل انرژی هسته‌ای، هر جا فرصت پیدا کردند و میدان به آنها داده شد، یک نفوذی کردند، یک حرکت مضر برای منافع ملی انجام دادند» (مقام معظم رهبری، ۹۴/۰۷/۱۵). از این رو ما با وجود پذیرش اصل مذاکره، با کشوری که از این طریق، درصدد نفوذ باشد، مذاکره نمی‌کنیم. «ما با مذاکره مسئله‌ای نداریم. معنای اینکه می‌گوییم با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم این نیست که با اصل مذاکره مخالفیم؛ نه، با مذاکره‌ی با آمریکا مخالفیم. ... مذاکره آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، یعنی نفوذ؛ تعریفی که آنها برای مذاکره کردند این است و آنها می‌خواهند راه را برای تحمیل باز کنند» (مقام معظم رهبری، ۹۴/۰۷/۱۵). «دنبال چیزی به نام مذاکره با ایران‌اند؛ [اما] مذاکره بهانه است، مذاکره وسیله برای نفوذ است، مذاکره وسیله برای تحمیل خواست‌ها است» (مقام معظم رهبری، ۹۴/۰۶/۱۸).

در کنار مذاکره ابزار دیگری نیز برای نفوذ استفاده می‌شود. یکی از این ابزار، نظارت است. «به مسئولین محترم تذکر دادیم و به شما هم عرض می‌کنیم، این است که به هیچ وجه اجازه داده نشود که به بهانه نظارت، این‌ها به حریم امنیتی و دفاعی کشور نفوذ کنند» (مقام معظم رهبری، ۹۴/۰۱/۲۰). همچنین تحریم نیز از این ابزار است. «ما در زمینه تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی نقاط ضعفی داشته‌ایم؛ این نقاط ضعف موجب شده است که دشمن احساس کند با تحریم و امثال آن می‌تواند رخنه ایجاد کند» (مقام معظم رهبری، ۹۲/۰۸/۲۹).

از دیگر ابزار دشمن، تطمیع، تهدید و فریب است. «آنها بیکار نمی‌مانند و با همه توان سیاسی و امنیتی و مالی، برای برقراری دوباره نفوذ و قدرت خود در این کشورها، به میدان می‌آیند. ابزار آنان، تطمیع و تهدید و فریب است» (مقام معظم رهبری، ۹۰/۰۸/۱۴).

دشمن همچنین از تبلیغات و فشار اقتصادی و رادیوهای بیگانه بهره می‌گیرد تا به نفوذ خود بیفزاید. «مسئله جمهوری اسلامی این است که دشمن مستکبر، درصدد به‌زانو درآوردن انقلاب است؛ با چه چیزی؟ با نفوذ دادن فرهنگ خود، با فشار اقتصادی خود، با انواع و اقسام تلاش‌های سیاسی خود، با گستره عظیم تبلیغات خود» (مقام معظم رهبری، ۹۵/۰۳/۰۳). «از مهم‌ترین ابزارهای نفوذ استکباری، همین رادیوهای بیگانه است! خرج‌های زیادی می‌کنند، پول‌هایی می‌گذارند و سرمایه‌گذاری می‌کنند» (مقام معظم رهبری، ۷۷/۰۷/۱۵).



۳. اهداف و نتایج نفوذ (علت غایی)

محور مهم نفوذ سیاستمداران غرب، ایجاد رخنه در عناصری است که روحیه خستگی از مقاومت داشته و پیشرفت و توسعه را در سایه دولت‌های غربی و استکباری می‌دانند که البته جهت‌گیری این نفوذ در راستای تضعیف ارکان نظام و انقلاب است. دشمن، اهداف متعددی را در نفوذ و رخنه دنبال می‌کند مانند عوض کردن محاسبه مسئولان، تغییر باورهای مردم، تسخیر دل‌ها و تغییر ذهن‌ها، ضعف ایمان مردم به انقلاب، تضعیف نظام، کسب قدرت سیاسی، تشنج و ایجاد اختلاف، مخدوش کردن امنیت ملی، تغییر آرمان‌ها و ارزش‌ها و تبعیت از دشمن.

«این نفوذ برای دو منظور دیگر است. یکی از آماج‌های این نفوذ مسئولان‌اند؛ آماج دوم مردم‌اند. مسئولان آماج این نفوذند؛ برای چه؟ هدف چیست؟ هدف این است که محاسبات مسئولان را عوض کنند و تغییر بدهند. آماج دوم مردم‌اند. باورهای مردم باید عوض بشود؛ باور به اسلام، باور به انقلاب، باور به اسلام سیاسی، باور به اینکه اسلام غیر از کارهای

شخصی وظایف عمومی هم دارد، حکومت هم دارد، دستگاه‌های تبلیغات، جامعه‌سازی هم دارد، تمدن‌سازی هم دارد» (مقام معظم رهبری، ۹۴/۱۲/۲۰).

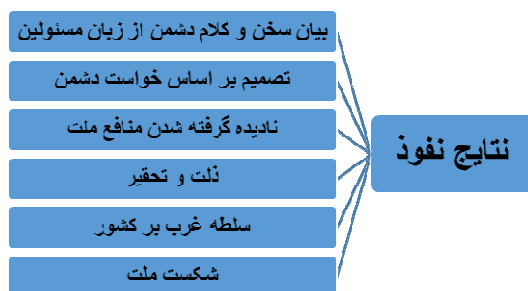
«امروز و از روزهای اول انقلاب، دستگاه‌های تبلیغات، همه توش و توان خود را گذاشته‌اند برای اینکه مردم را نسبت به پایه‌های این انقلاب بی‌اعتقاد کنند» (مقام معظم رهبری، ۹۳/۰۱/۰۱).

«دشمن درصدد نفوذ است. هر پنجره‌ای پیدا کند، وارد خواهد شد؛ هوشیاریتان را بیشتر کنید. دشمن، امنیت ملی ما را هدف گرفته است» (مقام معظم رهبری، ۷۷/۰۴/۲۱).



وابستگی اقتصادی و القای فرهنگ غرب، وادادگی اجتماعی و سازش با لیبرال از نتایج حضور و نفوذ آمریکا در کشور است که اگر با این نفوذ و سلطه مقابله نشود، ما را از اهداف امام و انقلاب دور می‌کند و باید منتظر خسارت سنگینی بر این کشور باشیم.

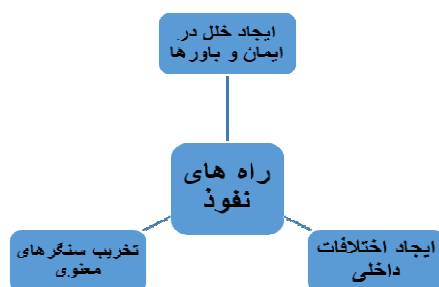
موارد متعددی را به‌عنوان نتیجه نفوذ دشمن می‌توان برشمرد. از جمله بیان سخن و کلام دشمن، تصمیم براساس خواست دشمن، نادیده گرفته شدن منافع ملت، ذلت و تحقیر، سلطه غرب بر کشور و در نهایت شکست ملت. بر این اساس «اگر استکبار و دستگاه سلطه توانست بر کشوری تسلط یابد و در آن نفوذ پیدا کند، منافع آن ملت، دیگر نادیده گرفته خواهد شد.» (مقام معظم رهبری، ۷۹/۰۸/۲۴) همچنین «چیزهایی هست که ملت‌ها را شکست می‌دهد. این را همه می‌دانند؛ چیز جدیدی نیست؛ ما هم می‌دانیم. اختلاف کلمه این‌جور است، جا دادن و راه دادن به نفوذی‌های دشمنان از این قبیل است» (مقام معظم رهبری، ۸۶/۰۶/۳۱).



۴. گونه‌شناسی انواع نفوذ (علت صوری)

دشمن در جهت نفوذ، از راه‌های مختلفی استفاده می‌کند. روش‌هایی مانند ایجاد خلل در باورها، ایجاد اختلافات داخلی و تخریب سنگرهای معنوی. «یکی از راه‌های ورود و نفوذ، ایجاد خلل در باورها است؛ باور انقلابی، باور دینی. در معرفت‌های انقلابی و دینی اختلال ایجاد می‌کنند؛ رخنه کردن در اینها است. و از همه‌ی طرق هم استفاده می‌کنند» (مقام معظم رهبری، ۹۴/۰۶/۲۵).

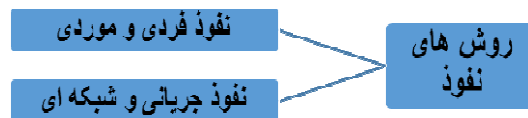
از دیگر راه‌های نفوذ، ایجاد اختلافات داخلی است. «امروز تبلیغات استکبار جهانی از جمله چیزهایی که بر آن تمرکز می‌کند، همین وجود اختلافات در داخل کشور است. یک عده‌ای پیش خدا باید جواب بدهند؛ پیش خدا جواب بدهند که کاری بکنند که دشمن از او برداشت تفرق بکند در داخل کشور و جری بشود. مسئله این است که دشمن را بشناسیم؛ ترند دشمن را بفهمیم؛ بدانیم که چه داریم می‌گوییم و دشمن چگونه ممکن است از هر کلمه‌ی ما استفاده بکند و جری بشود، تشویق بشود، روحیه پیدا کند و راه‌ها را برای دخالت خود، نفوذ خود، باز کند» (مقام معظم رهبری، ۸۷/۰۹/۱۵).



نفوذ دشمن، به دو روش صورت می‌گیرد. نفوذ فردی یا موردی و نفوذ جریانی یا شبکه‌ای؛ البته نفوذ جریانی، خطرناک‌تر از نفوذ فردی است. «نفوذ دو جور است: یک نفوذ موردی است، نفوذ فردی است؛ یک نفوذ جریانی است. نفوذ موردی خیلی نمونه دارد، معنایش این است که فرض کنید شما یک دم‌دستگاهی دارید، یک مسئولی هستید؛ یک نفر را

با چهره آرایش شده، بزک شده، با ماسک در مجموعه شما بفرستند؛ شما خیال کنید دوست است درحالی که او دوست نیست، تا او بتواند کار خودش را انجام بدهد؛ گاهی جاسوسی است که این کمترینش است؛ یعنی کم اهمیت ترینش جاسوسی است، خبرکشی و خبردهی است؛ گاهی کارش بالاتر از جاسوسی است، تصمیم شما را عوض می کند. شما یک مدیری هستید، یک مسئولی هستید، تصمیم گیر هستید، می توانید یک حرکت بزرگ یا مؤثری انجام بدهید، اگر چنانچه این حرکت را این جور انجام بدهید این به نفع دشمن است، او می آید کاری می کند که شما حرکت را این جور انجام بدهید؛ یعنی تصمیم سازی» (مقام معظم رهبری، ۹۴/۰۹/۰۴).

«نفوذ جریانی، یعنی شبکه سازی در داخل ملت؛ به وسیله پول که نقش پول و نقش امور اقتصادی اینجا روشن می شود. افراد را جذب کنند، دور هم جمع کنند؛ یک هدف جعلی و دروغین مطرح کنند و افراد مؤثر را، افرادی که می توانند در جامعه اثرگذار باشند، بکشانند به آن سمت مورد نظر خودشان. آن سمت مورد نظر چیست؟ آن عبارت است از تغییر باورها، تغییر آرمانها، تغییر نگاهها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، تحت تأثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر می کند؛ ... بنابراین خیال او آسوده است؛ بدون اینکه لازم باشد خودش را به خطر بیندازد و وارد عرصه بشود، شما برای او داری کار می کنی؛ هدف این است، هدف نفوذ این است؛ نفوذ جریانی، نفوذ شبکه ای، نفوذ گسترده؛ نه موردی» (مقام معظم رهبری، ۹۴/۰۹/۰۴).



انقلاب اسلامی و سناریوهای محتمل

«سناریونویسی» یکی از تکنیک های پایه ای آینده پژوهی است که برای تحلیل روند گذشته و تحلیل آینده کاربرد دارد و تمرکز سناریونویسی، ایجاد یا بازسازی وقایع و روندهای آینده و گذشته براساس مجموعه شواهد، داده ها و اطلاعات گردآوری شده است. سناریوها به عنوان محصول آینده پژوهی دارای ارزش هایی است که عبارت اند از: مهیاکننده الگوهای ذهنی منسجم آینده، ساخت فرضیه های کلیدی، اجبار مدیران به تفکر درباره آینده، افزایش فهم و درک درباره محیط بیرونی، و تشویق به تفکر راهبری و سیستمیک (حاجیانی، ۱۳۹۱: ۲۵۹).

در این بخش تلاش میشود تا با طرح سناریوهای مختلف درباره بازگشت پذیری انقلاب از طریق نفوذ، با توجه به امکانات و شرایط موجود، پیش بینی هایی از آینده ارائه شود. به طور کلی

در راستای بازگشت‌پذیری انقلاب اسلامی ایران از طریق نفوذ، چند سناریو می‌توان ترسیم کرد. این سناریوها عبارت‌اند از: هدف‌گیری پایه‌های اصلی استحکام انقلاب، تضعیف همه‌جانبه با استفاده از ابزار مختلف، تغییر در معادله قدرت و سیاست داخلی با تغییر نگرش مسئولان و در نهایت شبکه‌سازی با استفاده از نفوذ جریانی در جهت تغییر باورها. در ادامه هر یک از این سناریوها تبیین می‌شود.

۱. هدف‌گیری پایه‌های اصلی استحکام انقلاب

یکی از سناریوهایی که می‌توان برای بازگشت‌پذیری انقلاب اسلامی از طریق نفوذ مورد بحث و بررسی قرار داد این است که دشمن با نفوذ خود، پایه‌های اصلی استحکام نظام و انقلاب اسلامی را هدف قرار داده است تا از این طریق بتواند انقلاب اسلامی را از مسیر خود خارج سازد. عوامل نفوذ در قالب دشمنان درونی انسان مانند بی‌انگیزگی، بی‌حوصلگی، ناامیدی، تبلی و بی‌نشاطی و همچنین دشمن بیرونی که عبارت از دنیای استعمار و استکبار است، چهار رکن ایمان، اقتدار، عزت ملی و حرکت علمی کشور را هدف قرار می‌دهند تا از این طریق بتوانند عامل بازگشت انقلاب گردند.

این دو در تعاملی ناخواسته، ایمان مردم و مسئولان را هدف قرار می‌دهند و به دنبال کاهش اقتدار مسئولان، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان، بدنه مدیران و مراکز دینی و انقلابی‌اند تا از طرفی با تغییر نگرش نسل جوان به ویژه جوانان مؤمن و حزب الهی، عزت ملی را مخدوش سازند و از سوی دیگر با تغییر رویکرد نخبگان و افراد تأثیرگذار، کشور را در حرکت علمی متوقف کنند. در این صورت است که می‌توان بازگشت‌پذیری انقلاب را محتمل دانست.

۲. تضعیف همه‌جانبه با استفاده از ابزار مختلف

پارامترهای قدرتی در نظام بین‌المللی مبتنی بر تفکر وستفالیایی بسیار حائز اهمیت است. در این نظام آنارشی‌گونه اصل بکش تا کشته نشوی یا همان قانون جنگل حاکم است. پارامترهای قدرتی صرفاً جنبه نظامی ندارد، بلکه عوامل اقتصادی، مالی، دینی و... می‌توانند نقش مهمی را ایفا کنند. به این ترتیب است که در بسیاری از مواقع دولت‌های قدرتمند، همواره در دیگران ایجاد ترس و تهدید کرده‌اند، چراکه هرگز نسبت به نحوه استفاده دولتی از توانایی‌های قدرتی‌شان وجود ندارد. به عبارت دیگر همواره این ذهنیت وجود دارد که وقتی پارامترهای قدرتی دولتی افزایش می‌یابد، سایر بازیگران به خصوص دولت‌ها نگران اعمال قدرت آن علیه خود می‌شوند. در اینجا است که انواع مختلف بازدارندگی و اتحادها شکل می‌گیرد (سیمبر و قربانی،

۱۳۷۸: ۲۹-۱۸).

بر این اساس از آنجا که جهت بازگشت یک انقلاب، تضعیف آن، امری الزامی است و تضعیف حقیقی نیز باید همه ابعاد و جوانب مختلف را در برگیرد، از این رو نفوذ دشمن در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی با هدف وابستگی نظام انقلابی در هر یک از این عرصه‌ها صورت می‌پذیرد. البته باید توجه داشت که براساس درجه اهمیت، می‌توان ابعاد نفوذ را رتبه‌بندی کرد. از آنجا نفوذ فرهنگی با هدف تغییر باورها، عقاید و ارزش‌ها صورت می‌پذیرد، در درجه اول اهمیت قرار دارد. پس از آن نفوذ سیاسی در مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و سپس نفوذ اقتصادی با هدف تزلزل پایه‌های محکم اقتصاد و در نهایت هم نفوذ در مراکز امنیتی و نظامی.

همان‌گونه که نفوذ دشمن براساس موضوع و محتوای آن، در ابعاد مختلفی فرهنگی و علمی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی و نظامی صورت می‌گیرد، عوامل نفوذ بسته به شرایط، از ابزارهای مختلفی در راستای نفوذ بهره می‌برند. از روابط سیاسی نظیر مذاکره یا نظارت و ارزیابی سازمان‌های بین‌المللی در کشور، تا ابزار رسانه‌ای و تبلیغات، تطمیع و تهدید و فریب مردم و مسئولان و همچنین تحریم و فشار اقتصادی، همه ابزار را در جهت ایجاد زمینه‌های بازگشت انقلاب اسلامی به کار می‌گیرد.

۳. تغییر در معادله قدرت و سیاست داخلی با تغییر نگرش مسئولان

دشمن، اهداف متعددی را در نفوذ و رخنه دنبال می‌کند. اهدافی مانند عوض کردن محاسبه مسئولان، تغییر باورهای مردم، تسخیر دل‌ها و تغییر ذهن‌ها، ضعف ایمان مردم به انقلاب، تضعیف نظام، کسب قدرت سیاسی، تشنج و ایجاد اختلاف، مخدوش کردن امنیت ملی، تغییر آرمان‌ها و ارزش‌ها و تبعیت از دشمن. همه گام‌های مبارزه راهبردی نفوذ و دسترسی به این اهداف به دلیل این صورت می‌گیرد که دشمن بتواند از فضای به‌وجودآمده، به تغییر در معادله قدرت و سیاست داخلی ایران برسد؛ امری که در صورت تحقق آن، به براندازی جمهوری اسلامی و بازگشت‌پذیری انقلاب از طریق نفوذ منجر می‌شود. بر این اساس می‌توان موارد متعددی را به‌عنوان نتیجه نفوذ دشمن برشمرد؛ از جمله بیان سخن و کلام دشمن، تصمیم براساس خواست دشمن، نادیده گرفته شدن منافع ملت، ذلت و تحقیر، سلطه غرب بر کشور و در نهایت شکست ملت.

۴. شبکه‌سازی با استفاده از نفوذ جریانی در جهت تغییر باورها

عوامل نفوذ، در جهت رخنه در انقلاب، از راهکارها و روش‌های مختلفی استفاده می‌کنند. از یک نگاه، دشمن روش‌هایی مانند ایجاد خلل در باورها، ایجاد اختلافات داخلی و تخریب

سنگرهای معنوی را در جهت تغییر باورها به‌کار می‌گیرد. از سوی دیگر، نفوذ دشمن، به دو روش صورت می‌گیرد؛ نفوذ فردی یا موردی و نفوذ جریانی یا شبکه‌ای؛ که البته نفوذ جریانی، خطرناک‌تر از نفوذ فردی است، چراکه در نفوذ جریانی باور و اعتقاد مردم و مسئولان عوض می‌شود و همه آن فکری را می‌کنند و تصمیمی را می‌گیرند که خواست دشمن است. براساس این سناریو و با توجه به اینکه دنیای امروزی دنیایی است که معنویات جایگاهی در عرصه اداره جامعه ندارند و به‌تدریج کمرنگ می‌شوند. براساس این دیدگاه همه جوامع به‌ناچار مسیر سکولاریسم را طی خواهند کرد (بشیری، ۱۳۸۰: ۱۴۵-۹۸) و این بیانگر تغییر باورها و ارزش‌ها در جامعه است.



نتیجه

در اینکه دشمن با استفاده از ابعاد، انواع و روش‌های مختلف نفوذ، در تلاش برای تحقق سناریوهای مختلف بازگشت‌پذیری انقلاب اسلامی ایران بوده است، شکی نیست. اما با توجه به تلاش دشمنان درونی و بیرونی در جهت تغییر انقلاب و با توجه به اینکه علت انقلاب اسلامی ایران، تحول در انسان و بعد تغییر در نظام اجتماعی و ایجاد انقلاب اسلامی بوده است و همچنین با توجه به علل چهارگانه نفوذ که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مطرح کردند، این سؤال در ذهن تداعی می‌شود که آیا نظریه بازگشت‌پذیری در انقلاب اسلامی ایران و تحقق سناریوهای آن از طریق نفوذ متصور است یا خیر؟

در این مقاله و در پاسخگویی به این پرسش، پس از تبیین نظریه ترمیدور در انقلاب‌ها و شناخت تفاوت‌های انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌ها روشن شد که نظریه ترمیدور کرین بریتون با انقلاب اسلامی سازگار نبوده و تحقق‌پذیر نیست. سپس با بومی‌سازی نظریه ترمیدور و طرح نظریه بازگشت‌پذیری انقلاب اسلامی براساس سنت الهی به بررسی تحقق این نظریه در مورد انقلاب اسلامی پرداخته شد که ضمن احتمال این بازگشت‌پذیری، وقوع آن در حال حاضر منتفی دانسته شد. سپس با بحث بازگشت‌پذیری از طریق نفوذ پرداخته شد و با صورت‌بندی دقیق بحث نفوذ از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی براساس علل اربعه، سناریوهای محتمل بازگشت‌پذیری انقلاب اسلامی از طریق نفوذ، به تصویر کشیده شد. «هدف‌گیری

پایه‌های اصلی استحکام انقلاب»، «تضعیف همه‌جانبه با استفاده از ابزار مختلف»، «تغییر در معادله قدرت و سیاست داخلی با تغییر نگرش مسئولان» و «شبکه‌سازی با استفاده از نفوذ جریانی در جهت تغییر باورها»، چهار سناریویی هستند که دشمن با استفاده از تاکتیک «نفوذ» در ابعاد، انواع و روش‌های مختلف به دنبال تحقق آنهاست و هشدار رهبر انقلاب در خصوص ضرورت بصیرت و تیزبینی برای مقابله با این امر، نشان‌دهنده احتمال وقوع این سناریوها و در نهایت بازگشت‌پذیری انقلاب اسلامی است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. سایت رهبر معظم انقلاب اسلامی، WWW.LEADER.IR
۳. بشیریه، حسین (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نگاه نو.
۴. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۷۷). اندیشه سیاسی شهید رابع، امام سید محمدباقر صدر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۵. ----- (۱۳۹۱). «نظریه انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی شهید صدر»، مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، ش ۲۹.
۶. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱). مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۷. خمینی موسوی، روح‌الله (بی‌تا). صحیفه انقلاب، وصیت‌نامه سیاسی-الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. سیمبر، رضا؛ و قربانی شیخ‌نشین، ارسلان (۱۳۷۸). روابط بین‌الملل و دیپلماسی صلح در نظام متحد جهانی، چ دوم، تهران: سمت.
۹. صدر، سید محمدباقر (بی‌تا). المدرسة القرآنیة، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۰. صدر، سید محمدباقر (بی‌تا) تفسیر موضوعی سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه جمال موسوی، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. مگی، براین (۱۳۸۹). فلاسفه بزرگ، آشنایی با فلاسفه غرب، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: خوارزمی.
۱۲. محمدی، منوچهر و معینی‌پور، مسعود (۱۳۹۰). «اصول حاکم بر سبک مدیریت مقام معظم رهبری در کنترل و مهار وقایع انتخابات ۱۳۸۸»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، ش ۱.
۱۳. مهدوی‌زادگان، داوود (۱۳۸۰). عادی‌سازی جنبش‌های مردمی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۴. نوس باوم، مارتا (۱۳۷۴). ارسطو، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: طرح نو.